



محمدرضا عارف:

در درجه اول، مخاطب اصلی سخنان رهبری، نهادهای نظارتی هستند

محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید در مجلس دهم، در خصوص سخنان رهبری درباره لزوم برگزاری انتخاباتی مشارکتی و بسا حضور همه جناح‌های سیاسی کشور و در پاسخ به این سوال که مخاطب سخنان رهبری چه کسانی هستند؟ گفت: همانگونه که قابل پیش‌بینی بود برای رهبری انقلاب برگزاری انتخاباتی با مشارکت بالا و با تضمین امنیت و سلامت انتخابات بسیار بااهمیت است که در گذشته نیز شاهد رهنمودهای ایشان به نهادهای نظارتی و اجرایی انتخابات بوده‌ایم که متأسفانه به‌رغم اینکه متولیان این نهادها خود را پیرو رهبری و ولایت‌فقیه می‌دانند اما نتیجه اقدامات آنها در تأیید صلاحیت کاندیداهای در چند انتخابات اخیر عملاً برخلاف توصیه‌های رهبری بوده است.

او در گفت‌وگو با جماران افزود: به نظر من در درجه اول مخاطب اصلی سخنان مقام معظم رهبری، نهادهای نظارتی امر انتخابات هستند که می‌توانند در چارچوب قانون زمینه را برای حضور همه افکار و عقاید درون نظام برای یک انتخابات رقابتی فراهم کنند. متأسفانه نهادهای اجرایی در ابتدای امر با رصلاحت‌هایی که انجام دادند برخلاف رهنمودهای رهبری عمل کردند و انتظار این است که هیئت‌های نظارت استانی و شورای نگهبان خطای نهادهای اجرایی انتخابات را جبران کنند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید کرد: با عنوانی همچون «عدم التزام به نظام» بسیاری از چهره‌های موجه و شایسته را رصلاحت کرده‌اند؛ غافل از اینکه وقتی فردی برای انتخاباتی که در نظام جمهوری اسلامی برگزار می‌شود، کاندیدا می‌شود، یعنی به آن نظام وفادار است. جای تأسف است که برخی قبل از تصمیم‌گیری نهادهای نظارتی در رسانه‌هایی که با پول بیت‌المال اداره می‌شود، خواستار رصلاحت افرادی می‌شوند که در این نظام مسئولیت‌های کلیدی داشتند و همین افراد و رسانه‌ها خود را انقلابی دواتی‌شده می‌دانند؟ چه کسی به این افراد چنین مجوزی داده که اینگونه بی‌پروا خواستار رصلاحت افراد شوند؟

اوبه‌موضوع مشارکت حداکثری و برگزاری انتخابات پرشور در انتخابات اشاره کرد و گفت: در چند روز آینده که مدت زمان کمی هم به برگزاری انتخابات باقی مانده است باید همه به‌ویژه مسئولان اجرایی، قضایی و نهادهای انتظامی و امنیتی تمام تلاش‌شان ارتقاء «امید» مردم باشد، متأسفانه به دلیل سوت‌دبیرهای صورت گرفته در چند سال گذشته به‌ویژه از حوادث سال گذشته تاکنون موجی از ناامیدی را در بدنه جامعه به‌خصوص نسل جوان را شاهد هستیم. موضوعاتی همچون حجاب را مسئله اول جامعه کرده‌اند و به تبع آن، در خوردهای زنده همچون تعطیلی کسب‌وکار مردم و توقیف خودروها را شاهد هستیم که همگی بر امید مردم تأثیر منفی گذاشته است به همین دلیل از مسئولان امر می‌خواهم تمام تلاش‌شان احیاء امید در مردم باشد که در آن صورت می‌توان به مشارکت حداکثری مردم امیدوار بود در غیر این صورت با نتایج نظرسنجی‌هایی که اخیراً انجام شده است مشارکت در انتخابات حداقلی است.

رئیس بنیاد امید ایرانیان به مشارکت حداقلی مردم در چند انتخابات اخیر اشاره کرد و گفت: نتیجه مشارکت حداقلی مردم تشکیل مجلس دولتی ضعیف بوده است که امروز با عملکرد نامطلوب این دو نهاد میهم شاهد نارضایتی قشر وسیعی از حاکمیت هستیم که در صورت تداوم این وضعیت نمی‌توان چشم‌انداز مثبتی را برای بهبود وضعیت مردم انتظار داشت.

او با بیان اینکه تمام موفقیت‌های نظام تاکنون به دلیل حضور معنادار مردم در رویدادهای مهم بوده است و در آینده هم هر جا مردم حضور حداکثری داشته باشند، برگ برنده نظام خواهد بود از مردم خواست نسبت به سرنوشت خود بی‌تفاوت نباشند و نگذارند افرادی که هیچ‌گونه نسبتی با آرمان‌های اولیه انقلاب ندارند برای آنها تصمیم بگیرند. عارف در پایان در پاسخ به این سوال که راهکار عملی برای بهبود وضعیت مردم چیست؟ گفت: ما در مجموعه بنیاد امید ایرانیان به‌عنوان یک نهاد غیردولتی بارها پیشنهاد اصلاح نظام حکمرانی و میدان‌داری نخبگان را داده‌ایم وقتی از اصلاح نظام حکمرانی صحبت می‌کنیم ناظر به اصلاح ساختارها و اصلاح رویه‌هاست و قاعدتاً نمی‌توان با شیوه حکمرانی دهه ۶۰ کشور را اداره کرد.

بخش
دوم
و پیاپی

ایده‌ها، کاندیدهاها و انتتخابات ۸۸

گزارشی از مناظره احمد زیدآبادی و علی خضریان در دانشگاه امیرکبیر

کروه سیاسی: مشارکت در انتخابات محور اول بحث در مناظره احمد زیدآبادی، فعال سیاسی و تحلیلگر و علی خضریان، عضو جبهه پایداری و نماینده فعلی مجلس بود که در جلسه‌ای با عنوان «گره مشارکت در دستان خانه ملت» به همت واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر برگزار شد؛ بخش دوم این مناظره با محوریت پشت پرده فعالیت‌های انتخاباتی سال ۸۸ بیش از یک مناظره به گفت‌وگوی خضریان و سوال او از زیدآبادی بدل شد که در ادامه می‌آید:

زیدآبادی: اصلاً ابراد من صدها بار، مقالات من علیه آقای روحانی هست، می‌توانید سرچ کنید و ببینید که از دست من شاکي هستند، آقای ظریف از دست من عصبانی بود، هنوز هم هست. چون حرفی می‌زد که نامربوط بود و من تقد می‌کردم. خاستگاه من ملی-مذهبی است و الان هم خودم را به عنوان نیروی چهارم تعریف کردم، یعنی جزو هیچ‌کدام از این نیروها نیستم، به‌عنوان یک شهروند آمدم که صحبت کنم. من که نمی‌توانم دائم در دعوای شما باشم که چرا او چنین کرده و او چنان، این نتیجه و ثمره چیزی است به نام جمهوری اسلامی، هر چه هست همین است. این جمهوری اسلامی است که من به‌عنوان طرف انتقادی خودم با آن طرف هستم. بالاخره می‌خواهند چه کنند؟ مشارکت را که به این صورت درآورده‌اند، شما مدام دعوا را در تقابل بین خودتان می‌برید و می‌گویید این دوگانگی از بین رفته است، ولی باز در همان دوگانگی صحبت می‌کنید. من هیچ‌وقت در این سیستم برانداز بوده‌ام؟ دوره‌ای که می‌شده براندازی باشد من با تمام قوا مخالفت کردم و هزینه‌اش را متقبل شدم. بی‌نهایت هم فحش خوردم.

خضریان: شما دبیرکل سازمان دانش‌آموختگان بودید و صبح تا شب سازمان دانش‌آموختگان روی VOA بود به چه براندازی می‌گویید؟ زیدآبادی: نهایتاً شما اگر با یک به اصطلاح رادیوی خارجی مصاحبه کنید، می‌شوید برانداز. برانداز این معنای مشخصی دارد، می‌خواهد از یک طرفی یک سیستم را اسقاط کند. شما در این جا بنشینید و یک عالم مرزی را تعیین کنید که اگر اعتقادات متفاوتی نداشته باشید از رده خارج هستید، اگر مسلمان باشید، اما شیعه نباشید از حقوق تان منع می‌شوید، شیعه باشید ۱۲ امامی نباشید حذف می‌شوید...

خضریان: این حرف‌ها را نزنید، چه ربطی دارد؟

زیدآبادی: اجازه بدهید. اگر ۱۲ امامی باشید و به ولایت‌فقیه اعتقاد نداشته باشید، حذف می‌شوید. اگر به ولایت‌فقیه اعتقاد داشته باشید، اما در چارچوب قانون اساسی نباشید پس هیچ. یعنی اینقدر همه چیز را محدود کرده‌اند. شما خودتان مجلسی هستید و اینقدر همه را برانداز معرفی می‌کنید، همه را غیر خودی می‌دانید و از حقوق شهروندی نفی می‌کنید. ما در کرمان هستیم و در بعضی شهرستان‌ها دیده‌ام که بعضی‌هایشان (حالا در شورای شهر بود) می‌گفتند هر کسی بتواند به من رأی بدهد من از شما یک حمایتی می‌کنم بعضی‌ها قاچاچی هستند و این را می‌گویند. من می‌گویم نام این انتخابات نیست و اصلاً مشارکت هم در آن معنا ندارد.

مشارکت یعنی هر تعداد حزبی که بتوانند بدنه‌ای داشته باشند و به یک نیروی کارشناسی متکی باشند، به افراد بسیار مسلطی به اوضاع، برنامه‌ای بدهند، این برنامه‌ها با هم رقابت می‌کنند و انتخابات باید حزبی باشد. یعنی آن سیستمی که این افراد بالا می‌آیند، اساساً به‌نظرم معیوب است و انتخابات باید حزبی باشد. این حزب‌ها آن جا می‌روند و من می‌توانم از آن‌ها پرسش و پاسخ کنم، یعنی مورد پرسش قرار بدهم و به چالش بکشم؛ که اگر آن را نخواستم در کنارش آلت‌رناتیوی باشد. همه‌جای دنیا یک هیئت بی‌طرف انتخاباتی شکل می‌گیرد که به همه فقط براساس ملاک‌های شکلی می‌گوید که با هم رقابت کنید، هر چه مردم انتخاب کردند. شما که می‌گویید مردم نمی‌توانند انتخاب کنند، مردم آگاهی ندارند، درک درستی ندارند...

خضریان: شما الان گفتید که با تریاک مردم رامی‌خرند.

زیدآبادی: بله این هم هست.

خضریان: من که حرفی در این رابطه ندم.



زیدآبادی: حرفم این است که سیستم انتخاباتی شما این کار را کرده است، بله سوءاستفاده هم می‌شود. به هر حال گفته می‌شود که شما صلاحیت ندارید و وزارت اطلاعات اول نظر بدهد که چکار کردید، بعد اطلاعات سپاه نظر بدهد، این جا و آن جا نظر بدهند که پرونده نداشته باشید، حرف خاصی زده باشید که به خاطرش زندان نرفته باشید، محرومیت نداشته باشید و... همه این‌ها که نشد به شما می‌گویم برای انتخابات بیا، بعد همین که می‌آید اگر با هم اختلاف داشته باشید به جان هم می‌افتید. یعنی نمی‌توانید کار کنید، می‌خواهید گردن چه کسی بیاورید؟ نتیجه این که نمی‌توانید کار کنید هزینه‌اش را مردم می‌پردازند. من به عنوان شهروند از تمام شما، همه کسانی که بودند، آقایان خاتمی و روحانی و نمایندگان شما درخواست می‌کنم که بگویید شما می‌خواهید برای کشور چه کار کنید؟... ما می‌گوییم اگر نمی‌گذارند شما دنبال کارتان بروید، آن که می‌گذارند، بیاید. حال آن که می‌گذارند فرار است بیاید، می‌گوید نه دیگری آنقدر خراب کرده که ما باید آوار برداری کنیم، همان چیزی که وقتی یک فرد جدید می‌آید نسبت به قبلی می‌گوید. الان این کشور با مشکلات عینی مواجه است. باید وضع بد اقتصادی را پاسخ دهید این که او چه کرد و این چه کرد، قبلاً اتفاق افتاده است. من را که بردید و پدرم را درآورید، مگر من را رها کردید فرض کنید همه این اتهامات درست است، بله برانداز بودید، بله، این ادوار تحکیم خیلی خشن بود و... من کلاً ۳ سال دبیرکل ادوار بودم، بروید کارنامه‌اش را ببینید که اصلاً فعالیتی نداشتیم، ما فقط برای نیروهایمان آموزش داشتیم و قصد داشتیم شعبه بزنیم.

خضریان: چه سالی؟

زیدآبادی: من از سال ۸۶ تا ۸۸ دبیرکل ادوار بودم. راجع به آنچه از سوی ادوار بوده است، هر کدام از جبهه‌ها فعالیتی داشتند و هر کدام در جایی هستند و ممکن است با هم اختلافی داشته باشیم. آنچه در دوران ادوار اتفاق افتاده، من از تک‌تک اعمالش دفاع می‌کنم. همه در چارچوب قانون و نوعی فعالیت بود و اگر این‌ها را منع کنید چه رخ خواهد داد؟ حالا شما با هم دعوا داشتید و نمی‌توانستید همدیگر را تحمل کنید هر کسی تحمل نکرده، خلاف است. ما کشوری داریم و مجبوریم در آن همدیگر را تحمل کنیم، باید تساهل و تسامح را یاد بگیریم، حتی اگر طرف را قبول نداریم باید آن را تحمل کنیم. ولی این از این طرف نبوده است. جبهه‌ها را اینطور گرفتند، انطور بردند، انطور ادیت کردند و... می‌خواهید شما‌ها‌ش را بگوییم که خجالت بشود، همین موجد تکلوی بچه ۱۸ ساله این جا آمد. چیزی نگذشت و ۲۰ ساله بود که کسی یک بچه ۲۰ ساله را آن جا می‌برد که بلا سرش بیاید که او را در موضع تند بیندازد و بگوید این تند است و تا ابد بخواهید او را زندانی کنید، این شد کار؟ شما باید رفتارهای خودتان را ببینید. الان قدرت دارید و می‌توانید قانونگذاری کنید، الان با همه این نیروها همگن هستید. بگویید دعوها بلند شده است، الان باید بگویید می‌خواهید برای آلودگی هوا که اگر خداوند رحم نکند و بادی و بارانی نفرستد ما همه اینجا مریم و خفه شدیم، می‌خواهید برای این چه کار کنید؟ من تا سر حد مرگ در انفرادی بودم، داشتم می‌مردم و دنبال راهی می‌گشتم که خودم را خلاص کنم که به

خاطر چند حرف بوده است. یعنی از آقای کروبی در سال ۸۸ دفاع کردیم، مگر چه بود؟ چه کار کردیم؟

خضریان: من به ۸۸ شما کار دارم تا بعد به سراغ بقیه بروم. شما سال ۸۸، ۴۴ سال داشتید و یک انسان کاملاً عاقل و بالغ بوده‌اید. یعنی الان من ۳۸ سال دارم، آن موقع شما ۶ سال از الان من بزرگ‌تر بودید و الحمدلله کاملاً عاقل، بالغ و فهمیده.

ایده حکمرانی آقای کروبی چه بود که سال ۸۸ ستاد ایشان را اداره کردید. وقتی شما آن سال از آقای کروبی دفاع می‌کنید یعنی می‌گویید این نسخه اداره کشور است و می‌گویید من آبروی خودم، فعالیت سیاسی ام و تمام نکاتی که شما می‌گویید ملی-مذهبی و... است را آوردم و خرج می‌کنم و می‌گویم اگر شیخ مهدی کروبی رأی بیاورد، کشور اداره می‌شود. این را برای بچه‌ها مشخص کنید که سال ۸۸ ایده حکمرانی آقای کروبی برای اداره کشور کجا و چه بوده است که شما حامی ایشان شدید؟ نکته بعدی این است که وقتی می‌گویید صحبت کردن با VOA یا به معنای این است که ما برانداز هستیم؟! من وارد محتوایش

نشدم، می‌خواهید بعداً با هم محتواها را مرور کنیم و ببینیم چه صحبت‌هایی در صدای آمریکا بیان شده است و آن وقت موضع صدای آمریکا چه بوده است، یعنی از دل میزگردی که بچه‌های شما ارتباط گرفتند و بعد صحبت کردند آیا این براندازی برداشت می‌شود یا خیر. بله، این موضوعی است که ما باید مخالف و منتقد را تحمل کنیم، اما تا کجا؟ مرز آن را به ما بگویید. بعد شما هر کاری هم می‌کنید می‌گویید این را باز بگذارید، برای چه باز بگذاریم؟ برای کجا باز بگذاریم؟ شما در سال ۸۸ توانستید فعالیت سیاسی کنید در سطح عالی ریاست جمهوری کشور در انتخابات کنش داشتید. آقای کروبی هم نامزد بودند، آقای میرحسین موسوی هم نامزد بودند، سال ۸۴ آقای مصطفی معین نامزد بوده است. اصلاً با رأی حکومتی و نظر حکومتی رهبر انقلاب در انتخابات حضور پیدا کرده است. آن شعارهایی که در انتخابات داد، رفاندوم و... که شما بهتر از من به خاطر دارید، مردم به این اقبال نشان ندادند، این که شما می‌گویید کل این‌ها به من ربطی ندارد، من با احمد زیدآبادی کاری ندارم. من که با شما مسئله شخصی ندارم. بگویید جریان تان چیست؟ چه کار کرده است؟ من جریان ملی-مذهبی‌ها را نقد کنم؟ ملی-مذهبی‌ها که اول انقلاب تکلیف خودشان را مشخص کردند و مقابل حکم شرع ایستادند. امام گفت که این‌ها حق فعالیت سیاسی ندارند، آقای زیدآبادی مگر من گفتم مقابل حکم شرع بایستید؟ اول انقلاب مقابل حکم قضا استاند، آیا اینطور هست یا خیر؟

زیدآبادی: منظور تان جبهه ملی است.

خضریان: می‌خواهم بگویم این را یک جا با هم تعیین تکلیف کنید که بگوییم این جبهه ملی، این نهضت آزادی، ما با چه چیزی از شما مواجه هستیم؟ من که با شخص آقای زیدآبادی مسئله ندارم. من می‌گویم اتفاقات متعددی در این کشور رخ داده و شما روی آن کنشی داشتید. یک سوال هم در رابطه با سال ۸۸ است که راجع به کشی که انجام دادید، توضیح دهید که اگر حداقل ۲ سال دیگر عفو بعدی هم خورد و توانستید به یک انتخابات بیایید... چون ما در جمهوری اسلامی زیاد دیدیم که طرف در ستاد اصلی آقای میرحسین بود و جزو وزرای آقای روحانی هم بود. اینطور نیست که کسی ۸۸ هر کاری کرده، بعداً در این کشور هیچ کاره باشد. در چرخ گردون جمهوری اسلامی اتفاقاً به دلیل همین مردم‌سالاری دینی دیدیم که برخی از این افراد در لایه‌های دیگر بروز و ظهور پیدا می‌کنند. آقای عباس آخوندی هم باشید، در ستاد آقای میرحسین هم باشید، بعد هم وزیر می‌شوید و مسکن هم نمی‌سازید و الان من باید پاسخ بدهم و بگویم مسکن در کشور گران شده است، چون این آقا گفت که مسکن مهر، مزخرف است. من چه کار کنم؟ او وزیر این کشور بود و باید می‌ساخت، چرا امروز مهر پُر روشنفکری دارند، درحالی که پدر و مادر من در همان خانه‌های مسکن مهر پرند ساکن شدند، یعنی خانه‌دار شدند، خیلی از آدم‌ها با همین خانه‌ها خانه‌دار شدند. ولی یک عده می‌گفتند قوطی کبریت و یک عده می‌گفتند شما پایین‌ترین بخش جامعه هستید، بیاید با هم به پرند برویم و من خانه پدر و مادرم را به شما نشان بدهم تا ببینید چه کسی پایین‌ترین

قشر جامعه بوده است. پایین‌ترین قشر جامعه شما نبودید، پایین‌ترین قشر جامعه آن جا تازه خانه‌دار شدند. شما هر روز در فلان روزنامه مطلب می‌نویسید و به بچه‌ها هم می‌گویید که من با او هیچ ارتباط و همکاری ای ندارم، او هم روزنامه‌اش را خیرات کرده که گذاشته برایش بنویسید. این چه حرفی است؟ یعنی از همین جادصافت را جلوی بچه‌ها زیر سوال می‌برید. بله من در روزنامه کار می‌کنم، آقای کرباسچی هم کار می‌کند، مگر چه ایرادی دارد؟ مگر من گفتم شما خلاف کردید؟ آن وقت در همین روزنامه شما که الان پُر آزادی می‌دهید، شما که مسئله‌تان آزادی است... ببینید بچه‌ها در رابطه با آزادی جمله‌ای شبیه به این از مارکس هست که می‌گوید آزادی خوب است، ولی مخالف آزادی دیگران است. یعنی آزادی برای دیگران نه و برای خودمان خوب است. آزادی آن جایی معنا پیدا می‌کند که ما به مخالفان اجازه می‌دهیم حرف بزنند، وگرنه آن که با ما موافق است و حرف می‌زند که آزادی نیست، آن را که دوست داریم حرف بزند یا آن جا آزادی، آزادی است که ما اجازه می‌دهیم این آزادی برای همه محقق شود. من جمله خوبی از قبل از شما به خاطر دارم که گفتید زندگی چیز شیرینی است، همه چیز ارزش این را که ما برای زندگی فدا کنیم، دارد، الا شرافت، شرافت عزیزتر و محترم‌تر است. خاطر هست چنین جمله‌ای را قبلاً از شما خواندم. چرا این شرافت و مطالبی که راجع به آن صحبت می‌کنیم مثلاً به ملت مظلوم غزه و فلسطین می‌رسد، آن جا باید شرافت را کنار بگذارند، چون طرف مقابل‌شان قدرتمند است. شما ببینید کشورتان را گرفته و ما دودولتی را در روزنامه ترویج می‌کنیم، یعنی شما آزادی خواه هستید؟ به نظرم این موضع در مورد آزادی را کارانه است. شما در همین روزنامه موضوع تان پایان نامه‌تان دولت اسرائیل است، شما در همین روزنامه موضوع تان مشخص است. یعنی همه دنیا از یهودی، مسیحی، بی‌دین، با دین و... همه می‌گویند این ملت مظلوم است و همه مقابل این ظلمی که به این‌ها می‌شود می‌ایستند و شما به ما می‌گویید آن زمانی که طیف علامه تحت هدایت و راهبری‌های شما بود، نام حماس را با چه عنوانی در روزنامه‌ها منتشر کردید؟ بچه‌های الان نه، دهه ۸۰ زمانی که حماس با رأی مردم انتخاب شده بود. الان می‌گویند همه گروه‌ها بیایند، حماس هم شرکت کرده بود کرسی‌های بیشتری گرفت و پیروز شد. آقای زیدآبادی! همان موقع بچه‌های شما نوشتند حماس تروبیست است. نه الان، مثل همان ماجرای احمدی‌نژاد ۸۴ را عرض می‌کنم، همان موقع که رأی آورده بود، موضع اسرائیل را مطرح کردم و الان هم حرف‌شان این است که طرف مقابل‌ شما زور و قدرتی دارد، او توانسته شما را تا کار کند. حالا که توانسته تا کار کند در نهایت این است دودولتی را بپذیرید، شرافت چیست؟ دو طرف بنشینید و بپذیرید، شما هم باید کوتاه بیایید، زندگی شیرین است و شرافت هم این‌جا... چطور در مورد خودمان و مسئله داخلی خودمان اینطور نمی‌گویم؟ آقای زیدآبادی! یک جریان فکری است که شما هنوز با آن همکاری می‌کنید. شما هنوز کنار عباس عبیدی و